

زریاب و نقش او در انتقال موسیقی و رسوم ایرانی به اسپانیای اسلامی (اندلس)

* دکتر سید احمد رضا خضری

تاریخ دریافت مقاله: ۸۲/۹/۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۸۲/۶/۵

چکیده:

علی بن نافع معروف به زریاب یکی از نوابغ موسیقی ایران است که پس از راهیابی به دربار عباسی مورد حسادت استاد خود اسحق موصلی قرار گرفت و ناگزیر به اسپانیای اسلامی (اندلس) رفت و مورد استقبال عبدالرحمن اموی قرار گرفت. وی پس از حضور در اندلس آداب و رسوم ایرانی را در آن دیار رواج داد و با تأسیس مدرسه‌ای برای آموزش موسیقی توانست با پرورش دهها هنرمند اسلوب‌ها، سبک‌ها، ابزارها و تئوری‌های موسیقی ایرانی و اسلامی را به اسپانیا و دیگر نقاط اروپا منتقل نماید. پژوهش حاضر در صدد برآمده است تا نقش و سهم زریاب را در چگونگی و چرایی این رویداد مهم در تاریخ موسیقی بررسی نماید.

واژه‌های کلیدی:

زریاب، اندلس، موسیقی، ابزارهای موسیقی، موسیقی ایرانی، مدرسه موسیقی.

مقدمه

خلیفه زریاب رامتهم به جنون و غرور نمود و علت ترک دربار خلیفه را زیاده طلبی و خشم زریاب از نپرداختن پاداش از سوی هارون به وی عنوان کرد (هونکه، ۱۳۷۳، ۵۶۰).

باری زریاب به سال ۲۱۰ هـ / ۸۲۴ م از طریق شام راهی دیار مغرب شد (طبری، ۱۹۸۸، ۲۰۱/۵). وی بر سر راه به حضور زیاده الله بن ابراهیم بن الاغلب (حکومت = ۲۱۰ - ۲۲۳ هـ) امیر اغلی افریقیه^۳ رسید (FARMER, 2001, Vol 27. 266) و ترانه‌ای با اشعار عترة الفوارس^۴ شاعر بلند آوازه عرب برای او اجراء کرد که مطلع آن چنین است:

فان تک امی غرابیه من ابناء حام بها عبتنی
فانی لطیف بیضی الظبا و سمر العوالی اذا جتنتی

اما زیاده الله مضمون این ترانه را نپسندید و زریاب را شلاق زد و او را تهدید کرد که تنها سه روز مهلت دارد تا سرزمین او را ترک گوید و در صورتی که پس از آن او را در جایی از قلمرو خود بیابد، بی درنگ گردنش را خواهد زد (ابن عبدربه، ۱۹۸۶، ۲۸/۶) زریاب از هدایای گرانبهایی که عبدالرحمن پیشاپیش برایش فرستاده بود، دریافت که در سرزمین اندلس خریدارانی جدی برای هنر او وجود دارد. از این رو راهی دربار عبدالرحمن شد. در همین حال عبدالرحمن خود سوار بر اسب به استقبال زریاب آمد و او را با جلال و شکوه بی مانندی به دارالحکومه اندلس برد. (ابن عبدربه، ۱۹۸۶، ۲۸/۵، ECKHARDNEUBAUER, 1987, 9, 852) قس: ابن خلدون که به اشتباه از حکم بن هشام بجای عبدالرحمن بن حکم نام برده است، ۱۹۸۸، ۵۴۰/۱ نیز رک FARMER, 2001, Vol 27. 266 که اشتباه ابن خلدون را تکرار کرده است).

حقوق ماهیانه مکفی، هدایا، املاک و درآمد سرشار (ابن خلدون، ۱۹۸۸، ۵۴۰/۱) فرصت مغتنمی برای زریاب بود تا بتواند استعداد بی پایان خود را آشکار نماید. وی در دانش‌هایی چون نجوم، جغرافیا و ادب دست داشت (فیلیپ حتی، ۱۹۴۲، ۶۵۸) با این همه درخشش او به سبب سیرت پاک، شخصیت جذاب حاضر جوابی (فیلیپ حتی، ۱۹۴۲، ۷۶۴)، مهارت شگفت، روح سرشار، زبان سحرانگیز، آواز بی مانند و نوازندگی خیره کننده وی بود (نک: عبدالله عنان، ۱۳۷۱، ۴۹۳/۵ - ۴۹۲).

ابوالحسن، علی بن نافع مشهور به زریاب^۱ در حدود سال ۱۶۰ هـ ق / ۷۷۶ م. در جزیره زاده شد (زرکلی، ۱۹۹۹، ۲۸/۵) استعداد خارق العاده او در فن موسیقی و آواز از دوران کودکی آشکار شد. از این رو مورد توجه خاندان موصلی که در موسیقی و فنون آن در دربار عباسیان شهرتی بسیار یافته بودند، (نک: ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ۱۵۵/۵؛ ابن ندیم، ۱۹۹۶، ۲۲۶؛ خطیب بتدادی، ۱۹۹۶، ۱۷۵/۶، سمعانی، ۱۹۸۱، ۴۸۲/۱۲؛ Ribera, Julian, 1970, 48) قرار گرفت. وی نخست به خدمت ابراهیم موصلی و آنگاه فرزندش اسحق درآمد. (ابن خلدون، ۱۹۸۸، ۵۴۰/۱) و به زودی از استادان خود سرآمد شد و توجه خلیفه عباسی المهدی (خلافت = ۱۵۸ - ۱۶۹ هـ) و فرزند او هارون (خلافت = ۱۷۰ - ۱۹۳) را به خود جلب کرد.

زریاب در حضور هارون الرشید نمایش حیرت انگیزی از هنر رقص و آواز خود را به نمایش گذاشت (نک: زرکلی، ۱۹۹۹، ۲۸/۵؛ انور الرفاعی، ۱۳۷۷، ۱۲۲). افزون بر این، چهره سیاه اما دوست داشتنی، کلام فصیح، زبان رسا و سحرآمیز او موجب شد تا به خلیفه عباسی نزدیک شود. یک بار همراه استادش اسحق موصلی به حضور هارون الرشید بار یافت. هارون از هنر او پرسید، زریاب در پاسخ گفت: "من افزون بر آن که می توانم مانند دیگران آواز بخوانم، قادرم نوعی از هنر را به نمایش درآوردم که تنها فرهیختگانی چون خلیفه آن را در می یابند" خلیفه از وی خواست تا بخشی از این هنر را به نمایش گذارد و چون استادش اسحق ساز خود را بدو داد تا بدان وسیله بنوازد، زریاب با بی اعتنایی به ساز استاد خود اظهار داشت که اگر خلیفه بخواهد آهنگی چون استاد خود بنوازم این کار با ساز اسحق امکان پذیر است. اما اگر وی خواهان چیزی است که زریاب خود آن را کشف کرده و شوری وصف ناپذیر در آدمی پدید می آورد، باید با سازی که خود ساخته است بنوازد و چون خلیفه بدو اشاره کرد تا با ساز جدید بنوازد، زریاب قصیده‌ای بسیار زیبا و آهنگی حیرت آور در وصف هارون الرشید پدید آورد که تا آن روز مانند آن را ندیده بود. از این رو بی درنگ تصمیم گرفت تا دربار خود را به وجود چنین نابغه‌ای زینت بخشد. اسحق موصلی که از استعداد خارق العاده شاگرد خود در شگفت مانده بود، از این ماجرا در خشم شد و آینده خود و فرزندانش را با وجود این ستاره درخشان موسیقی در خطر دید. از این رو از زریاب خواست تا در صورتی که جان خود را دوست دارد به بهانه دست یابی بر سبک‌ها، روش‌ها و آداب موسیقی در مغرب جهان اسلام بدان صوب رود. اسحق برای حفظ موقعیت خود نزد

پی آمدهای حضور زریاب در اندلس

۱. در آداب اجتماعی

حضور زریاب در اسپانیای اسلامی تحولی چشمگیر در آداب، رسوم و رفتار عامه بر جای نهاد. ذوق سرشار، ظاهر آراسته و مشرب خاص او مورد توجه همگان قرار گرفت. هزاران تن از مردم اندلس به تبع زریاب، موهای سرشان را به صورتی گرد اصلاح کردند و موهای بلند و فرق دار را به کناری نهادند. آنان هم چون زریاب پشت گردن را آرایش کردند و بر اساس مد روز لباس می پوشیدند و پوشش سنتی را که سالها بی تغییر مانده بود، رها ساختند. آنان به مانند زریاب متناسب با هر فصل پارچه‌های مناسب برای آن فصل انتخاب می کردند و بر تن می کردند. پارچه‌های نازک و رنگارنگ و با طراوت برای فصل بهار، جامه‌های سفید رنگ برای تابستان و لباس‌ها و کلاه پوستی برای زمستان (هونکه، ۱۳۷۳، ۵۶۱ - ۵۶۲). او خود به هنگام ورود به قرطبه، کلاه نوک تیزی از جنس پوست که کلاهی ایرانی بود بر سر داشت و آن را تا بروان خود پائین آورده و موهای گرد خود را زیر آن قرار داد و گوش‌ها و موهای پشت سر را که به خوبی آرایش شده بود، نمایان ساخته بود (مقری، ۱۹۴۹، ۱۲۰ - ۱۲۱).

زریاب هم چنین ریش خود را به صورتی نوک تیز آراسته و با حنا خضاب کرده بود. و این نوع از ریش را در میان جوانان مرسوم ساخت. او هم چنین دور پلک‌های خود را سرمه می کشید و جذابیت آن را دو چندان می کرد و همواره با بوهای مطبوع که از انواع گل‌ها به دست می آمد خود را معطر و خوشبو می ساخت و در این زمینه نیز مقلدان بسیاری یافت. بنا بر گفته برخی پژوهشگران زریاب در شهر قرطبه مرکزی برای آموزش فنون زیبایی و زیباشناسی دایر کرده و اصول این فن را به علاقمندان می آموخت (حسن ابراهیم حسن، ۱۹۶۷، ۶۳۳/۴). وی طبع انواع خوردنی‌های ایرانی نظیر پالوده، لوزینه، مربای سیب و بالنگ و خوراکی‌های سرخ کردنی را به اهل اندلس به ویژه اعیان و اشراف آن دیار یاد داد. هم چنانکه در موضوع نظافت و پاکیزگی چگونگی زدودن لکه‌های چربی را از لباس و پوشاک با استفاده از نمک و مواد دیگری که ایرانیان از آن بهره می گرفتند، به اسپانیای اسلامی انتقال داد و استفاده از ظروف چینی و بلوری بجای ظروف سیمین و مسین و بهره‌گیری از سفره‌های چرمین بر روی میزها را بجای چوب معمول ساخت (حسن ابراهیم حسن، ۱۹۶۷، ۶۳۳/۴) که هم پاکیزه‌تر بود و هم زدودن چرک و آلودگی از آن آسان‌تر بود. کوتاه سخن آن که نوع خورش، پوشش و کوشش زریاب در این دوره ضرب المثل و الگوی روز اسپانیا شده بود در واقع این مرد تنوع طلب با انتقال آداب و رسوم ایرانی به اسپانیا، انقلابی در آداب و رسوم اجتماعی و فرهنگی آن سرزمین پدید آورد.

۲. در هنر موسیقی

الف) ابزارها و سبک‌های موسیقی

مهمترین پیامد سفر زریاب به اندلس، انتقال بخشی از سنت و سبک موسیقی شرق خاصه موسیقی ایرانی به اسپانیای اسلامی است. موسیقی در ایران باستان از جایگاه والا و ارزشمندی برخوردار بود. پس از ورود اسلام به ایران موسیقی در هاله‌ای از ابهام قرار گرفت اما در دوره عباسیان این هنر به طور ویژه مورد توجه واقع شد و موسیقیدانان نامدار ایرانی که حامل سنت‌ها و آداب کهن موسیقی بودند، در دهه‌های پایانی سده دوم هجری به پایتخت دولت جوان عباسی راه یافته و مجالی برای عرضه هنر خود پیدا کردند. این مهم به ویژه از دوره مهدی (خلافت = ۱۵۸ - ۱۶۹ هـ) خلیفه خوش گذران عباسی مورد توجه قرار گرفت. وی که وارث ثروت کلان پدر شده بود، با گشاده دستی بر سر ثروت باد آورده‌ای نشست که پدرش منصور آن را با خست و بخل مثال زدنی خود به دست آورده بود. و هم چنانکه بغداد را مرکز تجارت جهانی قرار داد، دربار خود را به وجود موسیقی دانان، شاعران، نوازندگان و رامشگران زینت بخشید. هم از این رو بود که بعدها تعدادی از دانشمندان مسلمان چون کندی، فارابی، ابن سینا، صفی‌الدین ارموی و قطب‌الدین شیرازی بر خلاف دیدگاه فقها و گروهی از مسلمانان جزم اندیش، بی محابا به نگارش کتاب در علم موسیقی دست یازیدند (نک: روح ... خالقی، ۱۳۵۳، ۸۸) و از تکفیر و تحریم آنان نهراسیدند.

باری زریاب در چنین محیطی پرورش یافت و اکنون به عنوان میراث دار موسیقی ایرانی و اسلامی به اسپانیا آمده بود. وی که در تمامی رشته‌های موسیقی تبحر داشت بیش از یک هزار آواز را با حال و هوای هر یک از آنها از بر داشت (فارمر، ۱۳۶۶، ۲۴۴). شایان ذکر است که مردم اسپانیا خود ملتی با احساس و دوستدار زیبایی بودند و زندگی پرتجمل و شادمانانه را دوست می داشتند به گفته ابن الخطیب: "آنان به ساز و آواز عشق می ورزیدند و مجالس رزم و بزم در سراسر غرناطه و دیگر نقاط اسپانیا برپا بود و برغم محنت و آزاری که از جنگ‌های بی امان دیده بودند، از نای و نوش غفلت نمی ورزیدند" (ابن خطیب، ۱۹۷۴، ۱۴۲/۱ - ۱۴۳).

زریاب وقتی که محیط و شرایط را مناسب دید، اقدامات خود را آغاز کرد وی نخست اصلاحاتی در ابزارها و سازهای موسیقی پدید آورد که قابل توجه است. از آن جمله تغییراتی در ساختمان عود ایجاد کرد که استفاده از چوب نازک‌تر برای افزایش ظنین صدای این ساز از آن جمله است. هم‌چنین استفاده از شاهپر عقاب یا پنجه شاهین به جای

آورد. (FARMER, 2002, 11. 151) این سبک شامل نوعی موسیقی است که از قطعات کند (نشید و بسیط) که قابل شکل‌گیری با متن‌های کوچک نبود و فرصت بدیهه‌سازی را فراهم نمی‌ساخت آغاز می‌شد، و سرانجام با قطعات تند و محرک (محرکات و اهزاج) پایان می‌پذیرفت (آون رایت، ۱۳۸۰، ۱ / ۸۹۶). این همان چیزی است که حسن بن علی الکاتب آن را به عنوان انتقال درونی از یک بخش به بخش دیگر دانسته و تأکید کرده است که تا قرن چهارم تداوم داشته است (حسن بن احمد الکاتب، ۱۹۶۵، ۲۸).

ب) تأسیس مدرسه موسیقی

نقش زریاب در توسعه و رواج موسیقی ایران در اسپانیای اسلامی با تأسیس مدرسه موسیقی تکمیل شد. (FARMER, 2002, 11. 517) وی برای آموزش شاگردان خود، شیوه‌های ناکارآمد قبلی را که بیشتر مبتنی بر مشاهده بود، تغییر داد و شیوه مرسوم ایرانی را با تغییرات و مدیریت جدید به کار بست و بر همین اساس دوره آموزشی شاگردان خود را در مدرسه مزبور به سه مرحله تقسیم کرد، نخست ریتم و کلام آواز را بدانان می‌آموخت، آنگاه نغمه آواز را یاد می‌داد و سرانجام نغمه‌ها را به صورتی ساده و دقیق و به دور از هرگونه حشو و زائده با آنان تمرین می‌کرد (فارمر هنری، ۱۳۶۶، ۲۱۰) این روش بنابر گواهی بسیاری از خردورزان در پایداری و اشاعه اسلوب موسیقی زریاب بسیار مؤثر واقع شد و تا پایان قرن پنجم سرآمد سایر سبک‌ها و روش‌های آموزش موسیقی به شمار آمد (آون رایت، ۱۳۸۰، ۱ / ۸۹۱). چندی بعد شاگردان بسیاری از مدرسه موسیقی زریاب دانش آموخته شده و خود اقدام به تأسیس مدارس دیگری در اشبیلیه، طلیطله، بلنسیه، غرناطه و دیگر نقاط اسپانیا کرده و روش آموزشی وی را در آن دیار فراگیر ساختند (نک: انوارالرفاعی، ۱۳۷۷، ۱۲۲). چنانکه برخی پژوهشگران غربی آشکارا به این حقیقت اذعان کرده‌اند که در حالی که در اروپای میانه شاگردان علم موسیقی برای فراگیری هارپ و سیتار تنها از راه گوش به تمرین می‌پرداختند، شاگردان مدرسه زریاب، علائم گام‌ها را بر روی دسته عود، پاندور و گیتار فرا می‌گرفتند و بلندی و کوتاهی پرده‌ها را بر حسب اندازه‌گیری معین و به وسیله بندها بر روی این سازها تعیین و علامت‌گذاری می‌کردند (هونکه، ۱۳۷۲، ۵۶۵). همچنانکه مقری نیز در نفخ الطیب روش آموزشی و شیوه تعلیمی زریاب را این گونه گزارش کرده است:

"هرگاه جوانی برای یادگیری موسیقی و آواز نزد زریاب مراجعه می‌کرد، استاد او را بر روی کرسی مدوری که مسوره نامیده می‌شد، می‌نشاند و به او می‌گفت: تا با تمام توان آواز سر دهد. در صورتیکه صدای او را ضعیف

مضراب چوبی (انورالرفاعی، ۱۳۷۷، ۱۲۲) و تهیه دو سیم تحتانی این ساز از روده بچه شیر از دیگر کشفیات اوست (نک: آون رایت، ۱۳۸۰، ۱ / ۸۹۲). زریاب رشته پنجمی بر سیم‌های عود اضافه کرد که رمز اصلی موفقیت او در جلب توجه همگان از جمله خلیفه عباسی و حسادت امثال و اقران او بود. این سیم اضافه که در میان اهل فن به "وتر زریابی" شهرت دارد، افزون بر آن که صدای عود را دل‌نواز، طنین آن را افزایش، و نشاط حاصل از نواختن آن را دوچندان کرد؛ مشکل عود عربی را نیز برطرف ساخت. زیرا تا آن روز صدای عود عربی مانند صدایی بود که از سینه شخص بیمار بیرون می‌آمد و از طنین و آنین کمتری برخوردار بود. اما پس از این اصلاحات "عود زریابی" سرور، نشاط و طربی بی‌مثال ایجاد کرد و زان پس همین نوع از عود در تمامی اسپانیای اسلامی الگو قرار گرفته و به کار می‌رفت. ظاهراً این سیم به رنگ قرمز بوده و نت سل را پخش می‌کرد و طنین چهار سیم دیگر را کمال می‌بخشید زیرا این سیم به کمک سیم‌های دیگری که در کنار آن قرار داشت وسعت دامنه صدا را تا دو اکتاو کامل ساده‌تر می‌کرد (نک: طنجی، ۱۹۶۸، ۱۱۴ - ۱۱۵).

در همین حال در نتیجه حضور زریاب در اسپانیا بسیاری از آلات و ابزارهای موسیقی شرقی و ایرانی به آن سرزمین و دیگر نقاط اروپا راه یافت. از آن جمله در بخش آلات موسیقی زهی، عود با عنوان لاوت (Laute) قیثاره با عنوان گیتار (Gitarre) و در بخش ابزارهای نوازشی، رباب با عنوان ربک (Rebec) و در بخش ابزارهای بادی، سورنا با عنوان شال‌مای (Shalmei) نفیر با عنوان ترمپت (Trompet) و در بخش آلات ضربه‌ای، سنج با عنوان سیمبل (Zymbel) دهل با عنوان رور ترمل (Ruhrtrommel) از همان روز تاکنون مورد استفاده قرار گرفته است. در این میان اهمیت تاریخی آشنایی اروپائیان با عود بسیار مهم است. زیرا پس از آشنایی اسپانیایی‌ها و به دنبال آنان اروپائیان با عود، این ساز محمل اصلی و مهم موسیقی محلی در سراسر دوره رنسانس بود. از میان انواع عود حالت قوشی شکل آن مورد استقبال قرار گرفت که اکنون معمولاً به سینه می‌چسبانند. بدین ترتیب انواع ویولن پدید آمد که به رقابت با انواع رایج عود منجر شده و کلمه‌هایی چون گیتار مغربی یا اندلسی نشان می‌دهد که عود در یک مرحله به نوعی ساز زهی تبدیل شده آنگاه تا مرحله گیتار اندلسی رشد کرده است.

افزون بر ابزار و آلات موسیقی نقش زریاب در کشف و ارائه سبک‌های موسیقی نیز در خور توجه است. از آن جمله اختراع و ثبت سبکی به نام "نوبه" است. "نوبه" یکی از سبک‌های موسیقی است که زریاب آن را بر اساس نوع سنتی و کلاسیک آن که در مغرب مرسوم بود، پدید

مدرسه وی حضور داشتند و او را در آموزش دیگران یاری دادند چنانکه عده‌ای از آوازه خوانان دربار عبدالرحمن اموی هم چون فضل، علم و قلم هنر خود را از زریاب آموختند و بر سبک او دربار حاکم اموی را زینت بخشیده بودند. عبدالوهاب بن حسین و ابوجعفر و قشی نیز در نواختن عود سرآمد شاگردان زریاب شدند. شایان ذکر است که روش زریاب حداقل به مدت دو قرن در سرتاسر اسپانیا رواج داشت و پس از آن از طریق کسانی چون ابن‌باجه که ترانه‌های شرقی و غربی را درهم آمیخت تداوم یافت (آون رایت، ۱۳۸۰، ۹۰۲/۱).

به علاوه حضور و فعالیت زریاب در اسپانیای اسلامی سبب شد تا آنان با بسیاری از تئوری‌ها و اندیشه‌های موسیقیدانان مسلمان هم چون فارابی، کندی و ابن سینا که چندی بعد ظهور یافتند، آشنا شده و مقدمات انتقال این تئوری‌ها را در دوره‌های بعد فراهم سازند هم‌چنانکه زیگرید هونکه بدین مهم اعتراف کرده و گفته است: "اهم تأثیراتی که گوندی زالوس (Gundisalvus) وینست دویوا (Vincent de Beauvais) یوهانس اگیدیوس (Johnnes Aegidius) ربرت کیل واردبی (Robert kilwardby) رمن اول (Roman ull) زیمون تونشتد (Simon tunstedt) راجر بیکن (Rager Bacon) و آدام فون فولدا (Adam von Fulda) دارا بودند، مدیون دانشمندان موسیقی جهان اسلام هستند". (هونکه، ۱۳۷۲، ۵۶۷) نیز به گفته وی: ابن سینا و فارابی در فواصل سه گانه مقیاس‌های ۵:۴ را برای بزرگ و ۶:۵ را برای کوچک به اروپائیان آموختند. آنان فواصل نامأنوس را حذف کرده و مقام‌های مطبوع را به وجود آوردند (همو، ۱۳۷۲، ۵۶۷).

نامناسب می‌یافت، بدو می‌گفت تا دستارش را بر دور کمر ببندد تا بر اثر فشار بر شکم صدای او بیشتر شود و اگر هنرجو باز هم از پس کار بر نمی‌آمد یا نمی‌توانست دهانش را به خوبی باز کند و یا عادت داشت در موقع حرف زدن دندان‌هایش را روی هم بفشارد، قطعه چوبی به اندازه پهنای سه انگشت بدو می‌داد و از او می‌خواست تا در تمام مدت شب و روز آنرا میان دندان‌هایش نگه دارد تا آنکه آرواره‌های او به خوبی باز شود. آنگاه از هنرجو می‌خواست تا با تمام توان فریاد زند و از او می‌خواست تا مخرج آن واژه‌ها را تا جایی که ممکن است، بکشد و آنرا طولانی‌تر بیان کند و در صورتیکه درمی‌یافت که آن فرد صدایی روشن، قوی و پرطنین دارد او را در جمع شاگردان خود می‌پذیرفت و برای تربیت وی به عنوان یک خواننده توانا و هنرمند از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزید و در این راه هر رنج و مرارتی را بر خود هموار می‌ساخت" (المقری، ۱۹۴۹، ۱۲۱).

باری زریاب بر همین اساس موسیقی را پیش از هر کس به فرزندان و کنیزکان خود یاد داد. وی هشت پسر، دو دختر و چند کنیز داشت که همگی هنر او را یاد گرفته و هر کدام سهمی در انتقال و تداوم روش زریاب ایفا کردند. از میان پسرانش عبیدالله و عبدالرحمن از دیگران سرآمد شدند هم چنین دخترش حمدونه استعداد شگفتی از خود نشان داد و به همسری وزیر هشام بن عبدالعزیز درآمد و دیگر خواهرش علیّه نیز موسیقی را به خوبی آموخت و به دیگران آموزش داد. هم‌چنین شماری از کنیزکان وی به نامهای صلفه (ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ۲۳۵/۵) غزلان، هنیده، منفعه و متعه پس از آموختن موسیقی بویژه هنر آواز از زریاب، در

نتیجه‌گیری:

موسیقی و پرورش هنرمندان بسیاری، زمینه انتقال روش‌ها و سنت‌های موسیقی و آداب و رسوم ایرانی را به اسپانیا فراهم ساخت. هم‌چنانکه در نتیجه آشنایی اروپائیان با زریاب و سنت‌های موسیقی ایرانی دانش موسیقی و مبانی تئوریک آن نیز به آن دیار انتقال یافت. این مبانی که توسط کسانی چون فارابی، ابن سینا و کندی پدید آمده بود، به شدت مورد توجه موسیقیدانان اروپائی قرار گرفت.

زریاب به عنوان یکی از موسیقی دانان برجسته ایرانی اسلامی در اوایل سده سوم هجری به سبب حسادت و رقابت رقیبانش (فیلیپ حتی، ۱۹۴۲، ۶۵۸) و ادار به ترک دیار خود شد. وی پس از مدت کوتاهی به دربار حکومت‌گران اموی اسپانیای اسلامی (اندلس) راه یافت و پس از آنکه زمینه را برای انتقال و گسترش موسیقی شرقی خاصه موسیقی ایرانی مناسب دید، با تأسیس مدرسه‌ای برای آموزش هنر

پی نوشتها:

- ۱ متأسفانه برای شناخت زریاب، سال و محل ولادت او، زندگی نامه مفصل و گویایی در دست نیست، در واقع در مقایسه با مقام علمی و شهرت و آوازه این نابغه موسیقی، داده های تاریخی بسیار مختصر و البته تکراری و متناقض است. از این رو اطلاعات ما درباره زریاب محدود به روایات مختصری است که در منابع موجود آمده است. با این همه فصل مشترک بسیاری از این منابع آنست که وی ایرانی است. (FARMER, 2001, Vol. 27. 266) و در جزیره یا بغداد زاده شد و در شهر اخیر پرورش یافت و به سبب استعدادی که در موسیقی داشت مورد توجه خاندان موصلی قرار گرفت.
- ۲ در باب شهرت او به زریاب و چگونگی تلفظ آن اختلاف است. کتب لغت فارسی آن را زریاب به معنای محلول طلا دانسته (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۱۳۱۷/۸) در حالیکه بیشتر کتب لغت عربی و منابع تاریخی او را به صورت زریاب آورده (ابن منظور، ۱۹۸۸، ذیل ماده: ابراهیم انیس و دیگران، ۱۴۱۲، ذیل ماده: ابوالفرج اصفهانی، بی تا، ۲۳۵/۵؛ طبری، ۱۹۸۸، ۲۰۱/۵؛ ابن عبدربه، ۱۹۸۶، ۲۸/۵) و درباره ترکیب و معنای آن گفته اند این اسم از دو کلمه "زر" و "آب" به معنای آب طلا یا زرابه تشکیل شده و پس از تعریب به کسر "ز" و تبدیل "آ" به "ی" به زریاب تغییر یافته است (زرکلی، ۱۹۹۹، ۲۸/۵) در عین حال برخی از منابع اخیر او را به سبب تیرگی رنگ چهره به پرندهای سیاه به نام "زریاب" تشبیه کرده اند که صدایی آهنگین و زیبا دارد (زرکلی، ۱۹۹۹، ۲۸/۵، ۲۸/۵). (FARMER, 2001, Vol. 27. 266).
- ۳ اغلبیان؛ دولت نیمه مستقلی است که هارون الرشید به سال ۱۸۴ ق برای جلوگیری از توسعه طلبی ادریسیان در بخشی از آفریقای (تونس امروزی) پدید آورد پایه گذار این دولت ابراهیم بن اغلب بود از همین رو به اغلبیان یا اغلبه شهرت یافته اند. آنان از ۱۸۴ تا ۲۹۷ ق در آن دیار حکومت راندند (ابن اثیر، ۱۰۴/۵).
- ۴ عنتره بن شداد بن عمرو عبسی یکی از شاعران نامدار عرب در عهد جاهلی است. وی از اهالی نجد و مادرش حبشی بود. در جوانی به دیدار امری القیس شتافت و شاهد نبرد داحس و غیره بود. عنتره مدتی طولانی بزیست دیوان شعری دارد که به آلمانی و فرانسه ترجمه شده است. (نک: ابن خلکان بی تا، ۴۰۹/۴ و ۸۲۷/۷ و ۲۴۱/۱؛ زرکلی، ۱۹۹۹، ۹۱/۵).

منابع و مآخذ:

- ابن اثیر، بی تا، "الکامل فی التاریخ"، دارالکتب العربی، بیروت.
- ابن خطیب، لسان الدین (۱۹۷۴)، "الاحاطه فی اخبار غرناطه"، تحقیق محمد عبدالله عنان، مکتبه الخانچی، قاهره.
- ابن خلکان، بی تا، "وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان"، حقه الدكتور احسان عباس، دار صادر، بیروت.
- ابن عبدربه (۱۹۸۶ م)، "العقد الفرید"، دار و مکتبه الهلال بیروت.
- ابن منظور (۱۹۸۸ م)، "لسان العرب"، دار احیاء التراث العربی.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق (۱۹۹۶ م)، "الفهرست"، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- ابوالفرج اصفهانی، بی تا، الاغانی، دارالفکر، بیروت.
- انور الرفاعی (۱۳۷۷)، "تاریخ هنر در سرزمین های اسلامی"، ترجمه عبدالرحیم قنوت، جهاد دانشگاهی مشهد.
- حسن ابراهیم حسن (۱۹۶۷ م)، "تاریخ الاسلام، السیاسی والادینی والثقافی والاجتماعی"، دارالاندلس، بیروت.
- حسن بن احمد بن علی الکتاتب (۱۹۷۵)، "کمال آداب الغناء"، قاهره.
- خالقی، روح الله (۱۳۵۳)، "سرگذشت موسیقی ایرانی"، بخش دوم، وزارت فرهنگ و هنر، بنگاه مطبوعاتی صفی علیشاه، تهران.
- خطیب بندگان، احمد بن علی (۱۹۳۱ م)، "تاریخ بغداد"، قاهره.
- دهخدا، علی اکبر (۱۷۲۳)، "لغت نامه دهخدا"، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- رایت، آون (۱۳۸۰)، "تاریخ موسیقی خاور زمین"، ترجمه محمد حسین نظری نژاد، بنیاد پژوهش های اسلامی، مشهد.
- زرکلی، خیرالدین (۱۹۹۹ م)، "الاعلام"، دارالعلم للملایین، بیروت.
- سمعانی، عبدالکریم بن محمد (۱۹۸۱ م)، "الانساب"، حیدرآباد دکن.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۰۸، ۱۹۸۸ م)، "تاریخ الطبری"، دارالکتب العلمیه، بیروت.
- طنجی (۱۹۶۸ م)، "الطراغق والالحن الموسیقی فی الافریقا والاندلس الکتب، الابحاث"، بیروت.
- عبدالرحمن بن خلدون (۱۹۸۸ م)، "تاریخ ابن خلدون"، دارالفکر، بیروت.
- عنان، محمد عبدالله (۱۳۸۰ ه ش)، "تاریخ دولت اسلامی در اندلس"، ترجمه عبدالمحمد آیتی، انتشارات کیهان، تهران.
- فارابی، محمد بن محمد، "الموسیقی الکبیر"، بی تا دارالکتب العربی، قاهره.
- فارمر، جورج هنری (۱۳۶۶)، "تاریخ موسیقی خاور زمین"، ترجمه بهزاد باشی، انتشارات آگاه، تهران.
- فیلیپ حتی (۱۹۴۲ م)، "تاریخ عرب"، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات آگاه، تهران.
- مقری تلمسانی، احمد (۱۹۴۹ م)، "نسخ الطیب من غصن الاندلس الرطب"، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، مصر.
- هونکه، زیگرید (۱۳۷۳)، "فرهنگ اسلام در اروپا"، ترجمه مرتضی رهبانی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

FARMER, H.G, 2002, IN THE ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM, NEW EDITILON, EDITED BY P.J. BEARMAN and..., LEIDEN.

ECKHARDNEUBAUER, 1987, IN FIRST ENCYCLOPAEDIA OF ISLAM, EDITED BY M.TH. HOUTSMA AND..., BRILL.

FARMER. H. G. 2001, IN THE NEW GROVE DICTIONARY OF MUSIC AND MUSICIANS, SECOND EDITION, EDITED BY STANLEY SADIE, GLOVE.

Ribera, Julian, music in Ancient Arabia and Spain, 1970, Translated and abridged by Eleanor Hague and marion Leffing well, New york.